

توضیحی درباره نقش نحوی «zraiiā vourukašaiia»
(در یشت هشت، بند هشت)

(از ص ۹۳ تا ۹۹)

چکیده

مدت‌هاست که تصور می‌شود zraiiā vourukašaiia صورت مفرد مکانی ریشه zraiiā و vourukaša- است. در این مقاله نشان داده خواهد شد که این تبیین، نادرست است و سپس بر اساس شواهد متعدد از متن اوستا تبیین دیگری برای آن پیشنهاد خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: اوستا، یشت، حالت دستوری، ستاک.

در یشت هشتم اوستا، بند هشت، نبرد تیشتر (ایزد باران) با پریان که به سان ستارگان ریزان (= شهاب ها) در میان زمین و آسمان پَران هستند، حرکت تیشتر پس از چیرگی بر پریان به جانب دریای فراخکرد و ایجاد باران با عبارت‌های زیر توصیف شده است :

Tištṛīm stārəm raēuuantəm (الف)

xʾarəṇʾhaṇtəm yazamaide
yō pairikā° tauruuaiieiti
yō pairikā titāraieiti
yā stārō kərəmā patanṭi
aṇtarə zaṃ asmanəmca

ب) + zraiiā vourukašaiia

amauuantō huraodahe
jafrahe uruiiāpahe
bāda vairīm ācaraiti
aspō·kəhrpaṃ ašaonīm

دربارهٔ حالت دستوری *+zraiiā vourukašaiia* در این عبارت و نیز در یشت پنج بند هفت، یسن شصت و پنج، بند چهارم و گونه‌های املائی *zraiiā* و *zraiiāi* در دستنویس‌های اوستا، پیش از این، آنتونیو پانائینو (۱۹۹۰: ۹۸) در گزارش خود از یشت هشتم، و نگارنده به مناسبتی در بررسی فروردین یشت (مولائی، ۱۳۸۲: ۱۳۵-۱۳۳) به تفصیل بحث کرده‌ایم. از آنجا که *vourukašaiia* با حرف اضافهٔ متأخر *a* می‌تواند حالت مفعولی فیه (*loc.*) مفرد از ستاک *-vourukaša* باشد، از این روی، اغلب محققان از جمله بارتولومه (۱۸۸۹: ۶۸)، جکسون (§ n.2: ۳۵۷: ۱۸۹۲)، لومل (۱۹۱۶: ۱۰۳)، و گرشویچ (نقل از: پانائینو، ۱۹۹۹: ۹۹) تصور کرده‌اند که *zraiiā* و گونه‌های دیگر آن در نسخ خطی، در واقع در همین حالت دستوری است، اما هلموت هومباخ (۱۹۵۸-۷۹: ۷۳) نظر و عقیدهٔ دیگری در این مورد ارائه کرده است؛ هومباخ، بند مورد بحث یشت هشتم را از لحاظ ویژگی‌های سبکی با بند ۴۶ همین یشت که از لحاظ مضمون و محتوی کاملاً شبیه هم

هستند، سنجیده و به نتیجه جالبی درباره حالت دستوری zraiiā vourukašaiia دست یافته است؛ عبارات مشابه و همانند این دو بند که به گمان هومباخ تطبیق آنها می‌تواند در تعیین حالت دستوری عبارت مورد بحث به کار آید، به شرح زیر است:

یشت هشت، بند هشت	یشت هشت، بند چهل و شش
zraiiā vourukašaiia	hō zraiiāhō vourukašahe
amauuatō huraoðahe	amauuatō huraoðahe
Jaфраhe uruiiāpahe	jaфраhe uruiiāpahe
bāða vairīm ācaraiti	vispə vairiš ācaraiti
	vīspəscā sīrə nimraokə
	vīspəscā sīrə apayžāire
aspō.kəhrpəm aonīmaš	aspəhe kəhrpə aurušəhe
	sīrəhe zairi.gaošəhe
	zaraniio.aiβiðānahe

هومباخ از تطبیق و مقابله این دو بند به این نتیجه رسیده است که vourukašaiia zraiiā در بند هشت یشت هشتم از لحاظ دستوری دقیقاً با zraiiāhō vourukašəhe در بند چهل و شش مطابقت می‌کند، بر همین اساس می‌توان پذیرفت که vourukašaiia zraiiā همانند عبارت مشابه خود در بند چهل و شش در حالت اضافی مفرد است و اختلاف موجود بین این دو عبارت صرفاً اختلاف گویشی است. کاربرد این نوع حالت اضافی در زبان اوستایی بسیار نادر است و نمونه‌های موجود در متون اوستایی عبارت‌اند از واژه‌های paθanaiia در یشت نوزده بند چهل و یک و kaŋhaiia از bərəzantaiia ašəuuanaiia در یشت پنج بند پنجاه و چهار. به عقیده هومباخ، zraiiā گونه کهن تر *zraiiāhah* (قس: zraiiāhō) و واژه vourukašaiia از صورت باستانی *vourukašahiia* (قس: vourukašəhe) مشتق شده‌اند. هومباخ یادآوری کرده است که در یسن شصت و پنج، بند چهار، جزء دوم ترکیب اخیر در نسخه‌های W1, pd و P6 به صورت kašahiia ضبط شده است که به خوبی می‌تواند این تعبیر را تأیید کند. کوپر (۱۹۶۴: ۹۷) و اخیراً میشل دووان (۲۰۰۳: ۱۶۵-۱۶۳) عقیده هومباخ را نپذیرفته و به پیروی از محققان متقدم عبارت مورد بحث را حالت مفعولی فیه مفرد انگاشته‌اند. به عقیده میشل دووان از میان تعابیر و آرائی که درباره ساخت و حالت دستوری

zraiiā vourukašaiia ارائه شده است، دو تعبیر محتمل می‌نماید: تعبیر نخست نظر بارتولومه و پیروان او است که معتقد بودند صورت اصلی این دو واژه، **zraiiahi* *vourukašaiia* بوده است؛ در این صورت، تصحیف *zraiiahi* به صورت *zraiiā* می‌تواند یادآور املائی لاحقۀ *āi* به جای *āhi* در ساخت برخی از افعال مضارع التزامی دوم شخص مفرد باشد، (قس: گونه‌*anḥāi* به جای **anḥāhi* و کتابت *jasāi* به جای *jasāhi*). (نیز نک: کلنز، ۱۹۸۴: ۲۵۳) بر اساس این فرض می‌توان چنین انگاشت که چون گروه صوتی *ai* در پایان صورت مصحّف *zraiiāi*، غیر معمول بوده، از این لحاظ به *ā* بدل شده است. تعبیر محتمل دیگر به گمان میشل دووان، عقیده هوفمن - فورسمن (1996:155) است که مطابق آن احتمالاً **zraiiahi* در ترکیب با حرف اضافه *a* به صورت **zraiiahiia* درآمده و گونه‌*zraiiā* نیز به *zraiiā* بدل شده است. به گمان میشل دووان (همان: ۱۶۵) با قبول تعبیر اخیر می‌توان املائی *vourukašahiia* را در نسخ ایرانی خرده اوستا به راحتی توجیه کرد و این فرض را پذیرفت که گونه‌*zraiiā* در اثر قاعده همگون‌سازی تحت تأثیر واژه مقدم *zraiiahiia* پدید آمده است. با این وجود باید به یاد داشت که قبول تعبیر اخیر مستلزم پذیرفتن این فرض است که چنین تحریفی در همه دستنویس‌ها روی داده و همه جا **zraiiahiia* به *zraiiā* بدل شده است. با استناد به این دو تعبیر، میشل دووان معتقد است که *zraiiā vourukašaiia* فقط می‌تواند در حالت مفعولی فیه باشد، بنابراین محتمل‌ترین ترجمه‌ای که می‌توان برای عبارت ذیل:

yā stārō kərəmā patanti/ antarə ʒam asmanəmcā / zraiiā vourukašaiia

در بند هشت ارائه کرد، چنین است: «کرم - ستاره‌ها (= ستارگان ریزان / شهاب‌ها) بی که در میان زمین و آسمان در دریای فراخکرد می‌افتند».

درباره تعبیر میشل دووان دو نکته قابل توجه است که در تعیین حالت دستوری *zraiiā vourukašaiia* نمی‌توان آن را نادیده انگاشت: نخست اینکه حالت صفت‌های دریای فراخکرد یعنی *amauuatō huraoḍahe jafrahe uruiiāpape* چنانکه متن اوستا صراحتاً نشان می‌دهد، در حالت اضافی مفرد به کار رفته‌اند و میشل دووان توجیهی در خصوص آنها ارائه نکرده است؛ و این در حالی است که عدم تطابق نحوی بین

موصوف و صفت در اوستا کاملاً امری غریب می‌نماید؛ به عبارت دیگر، بعید به نظر می‌رسد که بر خلاف اصول نحوی زبان اوستایی، موصوف در حالت مفعولی فیه و صفت‌های آن در حالت اضافی مفرد به کار رفته باشد. پیشتر رایخلت (۱۹۱۱: ۱۲۱) احتمال داده بود که این صفت‌ها در بند مورد بحث به جای مفعولی فیه به کار رفته‌اند و احتمالاً از بند چهل و شش یشت هشت، به این بند منتقل شده‌اند؛ لیکن برای اثبات این فرض، دلیل قانع‌کننده‌ای در دست نیست، چه از یک طرف کاربرد حالت اضافی به جای مفعولی فیه تقریباً در اوستا نادر است، از دیگر سو اگر چنین نقل و انتقالی واقعاً صحّت می‌داشت، انتظار می‌رفت که عکس این کار یعنی انتقال این عبارت از بند هشت به بند چهل و شش صورت پذیرفته باشد. نکته قابل توجه دیگر این است که عبارت *antarə* *zəm asmanəmca* «در میان زمین و آسمان» تقریباً احتمال چنین تصویری را منتفی می‌کند که شاعر در بخش نخست بند حرکت شهاب‌ها در آسمان و فروریختن آنها در دریای فراخکرد را مدّ نظر داشته باشد، بلکه برعکس می‌توان تا حدودی یقین داشت که حرکت تند شهاب‌ها و ناپدید شدن آنها در فضای بین زمین و آسمان توجه شاعر را به خود جلب کرده و ناتوانی و شکست پریان در مقابل تیشتر و گریزان شدن و متواری گشتن آنان را تداعی کرده باشد.

قراین موجود نشان می‌دهد که این بند از لحاظ مضمون و محتوای از دو بخش جداگانه با دو مطلب کاملاً متفاوت تشکیل شده است. این دو بخش را نگارنده در متن با حروف فارسی الف و ب مشخص کرده است. بخش نخست بند، حاوی مطالبی درباره نبرد تیشتر با پری‌هایی است که به سان شهاب‌ها در میان زمین و آسمان پرآند و بخش دوم به توصیف حرکت تیشتر به جانب دریای فراخکرد و به جنبش درآوردن آب دریا و مداخل آن اختصاص یافته است. بنابراین به سهولت می‌توانیم *zraiā vourukašaiia* را مربوط به بخش دوم و وابسته فعل *ācaraiti* به شمار آوریم نه فعل *patanti*؛ و از لحاظ نحوی هم آن را مضاف‌الیه *vairīm* بدانیم، در این صورت، *zraiā vourukašaiia* را به راحتی می‌توانیم بر اساس تحلیل هومباخ هماهنگ با صفت‌های خود در حالت اضافی مفرد بدانیم و بند را به صورت زیر ترجمه کنیم:

الف) « تیشتر ستاره باشکوه فرّه‌مند را می‌ستاییم که بر پریان پیروز می‌شود؛ که بر پریان چیره می‌گردد؛ [پریانی] که [به سان] ستارگان ریزان (= شهاب‌ها) در میان زمین و آسمان پَرّان هستند؛

ب) [آنکه] همواره به سوی مدخل پاکیزه اسب - پیکر^۱ دریای فراخکرد توانا، نیک رُسته، ژرف، دارای آبهای خروشان^۲ می‌خرامد «.

پی‌نوشت‌ها:

۱- بدون تردید، aspō.kəhrpam (حالت مفعولی مفرد مؤنث) در اینجا صفت برای vairīm (حالت مفعولی مفرد مذکر) است و به نظر می‌رسد که در این بند، پهنهٔ آب به صورت اسبی ماده، تجلی یافته است و تیشتر به صورت اسب نر سفید رنگ به او نزدیک می‌شود؛ در این باره و نیز دربارهٔ این که احتمالاً واژهٔ vairīm به لحاظ لاحقّه -īm مؤنث تلقی شده و صفت آن نیز به صورت مؤنث آمده و نیز احتمال‌های دیگر، نک: دوشن گیلمین، ۱۹۳۶: ۱۳۶؛ پانائینو، همان: ۱: ۹۹)

۲- دربارهٔ واژهٔ اوستایی uruiiāpa که در اینجا به پیروی از رأی کلنز، «خروشان» ترجمه شد، محققان تعبیر دیگری نیز ارائه کرده اند؛ دار مستتر آن را «دارای آب شور یا نمک دار»؛ بارتولومه: «دارای آب پهن و گسترده»؛ بیلی و به پیروی از او گرشویچ «دارای آب های موج» ترجمه کرده اند. نک: دارمستتر، ۱۸۸۳: ۱۸۰-۱۷۹؛ بارتولومه، ۱۹۰۴: متون ۴۰۱، ۴۰۳؛ بیلی، ۱۹۴۸: ۳۳۱؛ گرشویچ، ۱۹۵۹: ۱۷۴؛ کلنز، ۱۹۷۵: ۳۷۳؛ یادداشت (۲)

منابع:

مولائی، چنگیز (۱۳۸۲) بررسی فروردین یشت، سرود اوستایی در ستایش فرورهرها، دانشگاه تبریز، تبریز.

- Bailey, H. W., (1948), *Irano- Indica*, BSOAS, xii, 2, pp. 319-332.
 Bartholomae, Ch., (1889), *Arishes* (Av. iv. v.), ZDMG, 43, pp. 664-670
 Bartholomae, Ch., (1904) *Altiranisches Wörterbuch*, Strassburg (reper. Berlin 1979)
 Darmesteter, J. (1883). *Études Iraniennes*, Paris.
 de Vann, Michiel, (2003) *The Avestan Vowels*, Amsterdam.
 Gershevitch, I. (1959), *The Avestan Hymn to Mithra*, Cambridge.
 Hoffmann, K. und Forrsmann, B. (1996), *Avestische Laut- und Flexionslehre*, Innsbruck.
 Humbach, H. (1953), *Zur Textgeschichte des Jungeren Awesta*, MSS, 3, 2 (Aufl. 1958) pp. 73-79.
 Jackson, A. V. W., (1892), *An Avesta Grammer*, Stuttgart.
 Kellens, J., (1975), *Les noms- racines de l' Avesta*, Wiesbaden.

توضیحی دربارهٔ نقش نحوی «zraiā vourukašaiia»...

Kellens, J., (1984); *Le Verb Avestique*, Wiesbaden.

ṛ und ṣ im Avesta,

Lommel, H., (1916), *Verwechslung Von Andreas*, Leipzig, pp.97-108.

Archive of SID